

www.ketab.ir

در قاعده‌ی الواحد
در اوصافی تطبیقی

مولف:

رضاسفندیاری

سرشناسه	: اسفندیاری، رضا، ۱۳۲۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: رهیافتی تطبیقی در قاعده‌ی الواحد/مولف رضا اسفندیاری.
مشخصات نشر	: قم: میراث ماندگار، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۳ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۱۳۱-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
پادشانت	: کتابنامه ص. ۱۲۶ - ۱۲۷.
موضوع	: آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین ۱۲۵۵ - ۱۳۳۹ ق. -- دیدگاه درباره قاعده الواحد
موضوع	: محقق اصفهانی، محمدجواد، - ۱۳۲۸ ق. -- دیدگاه درباره قاعده الواحد
موضوع	: طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰. -- دیدگاه درباره قاعده الواحد
موضوع	: Tabatabai, Sayyed Muhammad Husayn -- Views on Al-Vahed formula (Islamic law)*
رده بندی کنگره	: ۲/BBR۵۵
رده بندی دیویی	: ۱/۱۸۹
شماره کاتالوژی ملی	: ۹۵۶۱۰۸۹

رهیافتی تطبیقی در قاعده‌ی الواحد

www.ketab.ir

■ مولف: رضا اسفندیاری

■ ناشر: میراث ماندگار

■ نوبت چاپ: اول ۱۴۰۳

■ تیراژ: ۵۰ جلد

■ چاپخانه: مبین

■ قیمت: ۱۲۰,۰۰۰ تومان

■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۱۳۱-۵

حق چاپ برای مولف محفوظ می‌باشد.

انتشارات میراث ماندگار

خیابان معلم ساختمان ناشران، طبقه ۳، پلاک ۳۱۸

۰۲۵۳۷۸۴۲۳۹۸

حمد و ثنا

حمد و ثنا مخصوص خداوند جهانیان و هزاران سلام و درود بر پیامبر رحمت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان مطهرش.

با تقدیر و تشکر از همه‌ی اساتیدی که با همه‌ی توانشان، خود را وقف پرورش شاگردان و تربیت سربازان امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام کرده‌اند، و از هیچ‌کس غیر خداوند متعال، اجر و مزدی طلب نکرده‌اند.

خصوصاً تقدیر و تشکر از استاد عزیزم که در این مهم، حقیر را یاری کردند و از هیچ تلاشی دریغ نفرمودند، استاد محترم حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر سید مصطفی حسینی نسباً و فقهیاً (و فقیه الله) و حتماً هر آنچه کاستی در این نوشتار وجود دارد از جانب این حقیر، و هر آنچه حوائج است از آن استاد عزیز.

فہرست مطالب

۱۰	مقدمہ
۱۵	بخش اول: مفہیم و کلیات
۱۶	فصل اول: مفہیم
۱۶	گفتار اول: واحد در لغت و اصطلاح
۱۷	گفتار دوم: مقصود از صدور در لغت و اصطلاح
۱۸	گفتار سوم: مراد از سنیخ در لغت و اصطلاح
۲۰	گفتار چهارم: مفہوم بسیط
۲۱	گفتار پنجم: مفاد اصل قاعدہی الواحد
۲۴	گفتار ششم: مفاد عکس قاعدہ
۲۶	فصل دوم: کلیات
۲۶	گفتار اول: روابط قاعدہی الواحد
۲۸	گفتار دوم: نمونہ‌هایی از بہ کارگیری قاعدہی الواحد در اصول فقہ
		بخش دوم: نظرات آخوند خراسانی و محقق اصفہانی و علامہ طباطبائی در
۳۵	مورد قاعدہی الواحد
۳۶	فصل اول: نظر آخوند خراسانی در مورد قاعدہی الواحد
۳۶	گفتار اول: عبارتہای آخوند در بیان قاعدہی الواحد
۴۸	گفتار دوم: تفسیرها و برداشتہای محققین از عبارات آخوند
۴۸	الف) آقا ضیاء الدین عراقی

- ۵۱ (ب) مرحوم میرزا ابوالحسن مشکینی.....
- ۵۳ (ج) جناب محمد حسین نائینی.....
- ۵۵ (د) مرحوم ابوالقاسم خویی.....
- ۶۰ گفتار سوم: جمع بندی و برداشت نویسنده از نظر آخوند.....
- ۶۱ فصل دوم: نظر محقق اصفهانی در مورد قاعدہ الواحد.....
- ۶۱ گفتار اول: تبیین عبارت‌های محقق اصفهانی در بیان قاعدہ الواحد.....
- ۷۰ گفتار دوم: تفسیرها و برداشت‌های محققین از عبارات محقق اصفهانی.....
- ۷۰ (الف) مرحوم محمد علی اراکی.....
- ۷۲ (ب) مرحوم عبد الاعلی سبزواری.....
- ۷۳ (ج) استاد سید محمد کاظم مصطفوی.....
- ۷۴ گفتار سوم: جمع بندی برداشت نویسنده از نظر محقق اصفهانی.....
- ۷۶ فصل سوم: نظر علامہ طباطبایی در مورد قاعدہ الواحد.....
- ۷۶ گفتار اول: عبارت‌های علامہ در بیان قاعدہی الواحد.....
- ۸۶ گفتار دوم: تفسیرها و برداشت‌های محققین از عبارات علامہ.....
- ۸۶ (الف) شهید مرتضی مطهری.....
- ۸۸ (ب) علامہ محمد تقی مصباح یزدی.....
- ۹۵ (ج) آیت الله جوادی آملی.....
- ۱۰۱ اشارات.....
- ۱۰۷ گفتار سوم: جمع بندی و برداشت نویسنده از نظر جناب علامہ طباطبایی.....
- ۱۰۹ بخش سوم: مقایسه نظرات این سه محقق و بیان نقاط ضعف آنها.....
- ۱۱۰ فصل اول: نقاط اشتراک و افتراق بین نظرات آخوند، محقق اصفهانی و علامہ.....
- ۱۱۰ گفتار اول) نقاط اشتراک.....

- گفتار دوم) نقاط افتراق..... ۱۱۲
- فصل دوم: نقاط ضعف هر کدام از نظرات آخوند، محقق اصفهانی و علامه . ۱۱۴
- گفتار اول) نقاط ضعف در عبارات مرحوم آخوند..... ۱۱۴
- گفتار دوم) نقاط ضعف در عبارات محقق اصفهانی..... ۱۱۷
- گفتار سوم) نقاط ضعف در عبارات جناب علامه..... ۱۱۸
- فهرست منابع..... ۱۲۱

مقدمه

الحمد لله الذي لامؤثر في الوجود ألا اياه ثم الصلوة و السلام علي اول ما خلق الله و علي آله آل الله.

یکی از قواعد معروف فلسفی این است که از علت واحد جز معلول واحد صادر نمی شود (الواحد لا یصدر عنه الا الواحد) و عکس آن نیز این است که معلول واحد جز از علت واحد صادر نمی شود (الواحد لا یصدر الا عن الواحد) و از سوی دیگر، این قاعده، یکی از قواعد است که در کتب اصول فقه بویژه کفایه- بسیار مورد استفاده قرار گرفته است.

دلیل اصلی این قاعده، قاعده‌ی سنخیت بین علت و معلول است. این نوشتار بر آن است که نزاع در این قاعده را از دیدگاه مرحوم آخوند و محقق اصفهانی و جناب علامه طباطبایی بررسی کند و نظر درست را پیرامون این قاعده تبیین نماید.

این کتاب بر آن است تا با بررسی تفصیلی این قاعده و تبیین درست آن، استفاده یا عدم استفاده‌ی این قاعده را به عنوان یک قاعده‌ی فراگیر در همه‌ی علوم حتی علوم اعتباری نظیر علم اصول فقه همان طوری که جناب آخوند آورده‌اند پیگیری کند و موضوع نزاع در این قاعده را تبیین نماید. همچنین برآنیم تا با روشن کردن محل نزاع بین این سه اندیشمند بزرگ و بررسی نظرات ایشان، نظر حق را در مورد محل استفاده‌ی از این قاعده بیابیم.

این بحث همان گونه که از عنوان پیداست بحثی تاریخی است و مجال خود را می‌طلبد و برای رسیدن به اطمینان، لاقلاً سه عنصر تبّیع کامل در کتب فلسفی قدما و نیز تسلّط بر آن‌ها لازم است و با توجه به آنچه که با جستجو و تعمق ناچیز بدست آمد در سه بخش ارائه می‌گردد:

زمان پیدایش این قاعده یکی از پرسش‌های مطرح دربارۀ این قاعده است. تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد که این قاعده در آثار فلسفی یونان باستان دیده نمی‌شود. در نوشته‌های نخستین فیلسوف اسلامی یعنی کندی نیز این قاعده نیز دیده نمی‌شود. تهافت‌التهافت که توسط ابن رشد اندلسی در قرن ششم نوشته شده است نخستین متنی است که به صورت بسیار گسترده و در موارد فراوانی از این قاعده بهره می‌گیرد. البته این رشد خود را مبدع این قاعده معرفی نمی‌کند و دو تقریر از آن ارائه می‌کند که یکی به ابن فارابی و دیگری برگرفته از ابن سینا است. ابن رشد پس از بیان اشکال غزالی (که فلاسفه نمی‌توانند هم قاعده‌ی الواحد را قبول داشته باشند و هم عالم را فعل الله بدانند) بیان می‌دارد:

«اما اذا سلم هذا الاصل (قاعده الواحد) و التزم فيعسر الجواب عنه لكِنَّه شيء لم يقله الا المتأخرون من فلاسفة الاسلام»^۱ اما پس از اندکی عبارت ایشان چنین است: «و هذه القضية القائلة ان الواحد لا يصدر عنه الا واحد هي قضية اتفق عليها القدماء حين كانوا يفحصون عن المبدأ الاول للعالم بالفحص الجدلي

۱. ابن رشد، تهافت‌التهافت، دارالفکر، ص ۱۱۰

لازم به ذکر است منظور او از «المتأخرون من فلاسفة الاسلام» با قرآن متعدد، لاقلاً فارابی و ابن سینا است.

و هم یظنونه الفحص البرهانی، فلما استقرّ عندهم هذان الاصلان طلبوا من این
جاءت الکثرة»^۱

همان طور که روشن است اضطرابی در کلمات ایشان پیرامون قاعدہی الواحد وجود دارد (که البته فقط مخصوص این دو مورد هم نمی باشد). لکن پس از بررسی مجموع فرمایشات ابن رشد در تهافت التهافت پیرامون این اشکال غزالی^۲ و همچنین گفتار او در تلخیص کتاب مابعدالطبیعه (المقالة الرابعة)^۳ و در رسالہی مابعدالطبیعه (العلل و العلة الاولي)^۴ این نتیجه بدست می آید که ابن رشد دو تقریر برای قاعدہ لحاظ کرده است.

آنچه مسلم است این قاعدہ مورد عنایت فارابی بوده و آن را مطرح کرده است که با توجه به بحثی که پیرامون این رشد عرضه شد مطلب معلوم است، لکن بعنوان نمونه می توان به نوشتار او در شرح رسالہی زنون (از شاگردان ارسطو) استفاده کرد. در آن رسالہ این طور آمده است که:

«لا یصدر عن الواحد الا واحد و ان صدر عن واحد اثنان مختلفان في الحقائق
لم یکن حقیقة العلة واحدة محضة یعرفه من له ادنی تأمل و سمعت (زنون)
معلّمی ارسطاطاليس انه قال: اذا صدر عن واحد حقیقی اثنان لا یخلوا اما ان

۱. همان، دارالفکر، ص ۱۱۱

۲. همان، دارالفکر، ص ۱۱۰ تا ۱۵۴

۳. ابن رشد، تلخیص کتاب مابعد الطبیعه (متعلق به ارسطو)، تحقیق و مقدمه‌ی دکتر عثمان امین، تهران، حکمتف

۱۳۷۷ش، ص ۱۲۳ تا ۱۶۷

۴. ابن رشد، رسالہی ما بعد الطبیعه، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۴م، ص ۱۶۰ تا ۱۷۴